

وضعیت فعلی  
 لغت فارسی

مرور دهور و اعوام و تغییراتی که وضعیت هر عصر ایجاد  
 مینمود لغت فعلی فارسی را بصورتی در آورده است که  
 میتوان گفت مخلوطی از لغات باستانی و پهلوی و دری و  
 عربی و ترکی و مخصوصاً راجع باشیائیکه جدیداً کشف و اختراع شده اروپائی  
 میباشد و نیز لغات مختلف محلی از قبیل گیلکی، کردی، لری، بلوچی و غیره  
 که اساساً منشعب از یک زبان واحد بوده و رفته رفته اختلاف فاحشی پیدا کرده  
 رو به رفته لغت مخلوطی بنام لغت فارسی فعلی ایجاد کرده است.

همین لغات درهم و برهم نیز برای خود دو صنف متمایز تشکیل داده اند  
 که یکی زبان ادبی و دیگری زبان محاوره میباشد.

در نتیجه این اختلاط و امتزاج و اختلاف غالباً اهالی دو محل نزدیک بهم  
 مثلاً تهران و شمیران بقدری باهم اختلاف بیان دارند که شاید بدزستی مفهوم  
 سخن یکدیگر را درک نمیکند.

در این که لغت مایه سخن است و سخن آلت تفهیم و تفاهم افکار اشخاص  
 چه باید کرد میباشد شک نیست و در اینکه اگر تمام افراد یک ملتی بیک قاعده  
 و طریقه سخن گویند موجبات تفهیم و تفاهم آنها بیشتر فراهم میشود  
 و اساس وحدت آنها محکمتر میگردد شبههئی نیست و در اینکه زبان ماتی  
 هر قدر وسیع تر باشد بهتر و بیشتر میتواند از جمیع جهات حیثیات خود را در  
 دنیا نگاه دارد تردیدی نیست ولی در اینجا چون موضوع مربوط بسلیقه میشود  
 و سلیقه ها مختلف است عقاید گوناگونی پیدا شده است.

۱ - بعضی ها معتقدند همانطوریکه سخن گفتن با زبان واحد برای ملتی  
 دارای مزایای مذکوره است اگر بشود که تمام ساکنین گیتی بیک زبان سخن  
 گویند و یک طور بنویسند علاوه بر اینکه بهمان نسبت مزایای مذکوره بیشتر  
 حاصل میشود رنج مردم برای تحصیل زبانهای مختلف از بین میرود و وقتی را  
 که هر کسی برای آموختن دو زبان یا بیشتر مصرف میتواند صرف تحصیل  
 علوم و فنون کند و با اینطرز در واقع چنان میشود که هر آدمی بقدری بیشتر  
 وقت پیدا کند که کوئی طول عمر هر یک چند برابر بیشتر شده باشد.

این فکر دیربست که در مغزهایی پیدا شده و برای پیشرفت آنهم کوششهای بسیار بعمل آمده ولی چون به سد محکم ملیت برخورد و هر ملت میخواهد زبان خودش زبان عمومی باشد عملاً غیر ممکن الحصول گردیده است.

۲ - بعضی معتقدند که باید حتماً هر ملتی زبان مخصوص خود را داشته باشد زیرا که داشتن زبان مخصوص مانع مهم از مستحیل شدن آن ملت در ملت‌های دیگر می باشد

در اینجا هم عملاً مشکلاتی پیدا میشود که نه در ایران بلکه در تمام ممالک دنیا اختلافات لهجه های محلی وجود دارد و همین گرفتاری که ما داریم دیگرانهم دارند و مملکتی یافت نمیشود که بطور تام و کامل یک زبان عمومی در آن حکمفرما باشد و اختلافی باهم نداشته باشد و اگر در بین لغات مختلف يك لغت را بخواهند قبول کنند بمخالفت صاحبان لغت دیگر برخورد خورد.

۳ - برخی معتقدند که باید لغات محلی را فعلاً آزاد گذارد و يك طرز مخصوص برای عموم قائل شد و آنرا بوسیله دولت ترویج نمود تا کم و بتدریج اختلافات لهجه ها و تفاوت لغات محلی در آن تحلیل رود و در نتیجه ملت‌های زبان و لهجه واحدی گردد.

در اینجا هم در اینکه چگونه آن لغت و لهجه اساسی را برای عمومی شدن انتخاب کنند ما بین صاحبان این عقیده اختلاف است، بعضی میگویند باید اساس لغت ایرانرا که پارسی قدیم است گرفت و روی آن قواعد و قوانینی بتناسب لغات جدید وضع نمود و سپس آنرا عمومی ساخت.

گروهی عقیده مندند که لغات قدیمی که بمروردهور بکلی از بین رفته و معانی اصلی خود را از دست داده شایستگی زبان عمومی شدن را ندارد و بعلاوه لغاتی که مربوط به اشیاء مکتشفه یا مخترعه بعداً پدیدار شده بقدری بیش از لغات اصلی است که نمیتوان آنها را تابع اصل اولی کرد و چون ناچار بایستی برای اینگونه لغات که اکثریت دارد لغات جدیدی وضع نمود بهتر اینست که از اینکار صرف نظر کرد.